

مزاری، شهید عدالت در افغانستان



محمد شریف روشن یوسفی

مقدمه

عقد قرارداد اجتماعی افراد برای تقسیم کار در حیات مدنی، مبتنی بر شریعت می‌باشد.^۱ چنانچه ذکر شد ارائه تعریف جامع، مانع و همپوشم از عدالت دشوار است؛ اما رویهم رفته تعریف امام علی (ع) از عدالت را می‌توان جامعترین تعریف در نظر گرفت که عبارت است از نهادن هر چیز در جای خودش.^۲ این تعریف مورد قبول بسیاری از دانشمندان قرون باستان و جدید و همچنین تعریف مورد نظرایین تحقیق نیز است.

عدالت اجتماعی و اهمیت آن در جوامع چند فرهنگی

مفهوم عدالت اجتماعی، بخش مهمی از اندیشه‌ورزی صاحب‌نظران علوم انسانی را در طول تاریخ به خود اختصاص داده است؛ اما از دهه ۱۹۷۰ و به ویژه پنجاه سال گذشته در گفتمان‌های سیاسی و بالاخص در میان دولت‌هایی که خود را به عنوان دولت‌های دموکراتیک اجتماعی معرفی می‌کنند، ظهور دوباره‌ای یافته است. این مفهوم در انگلستان با کار کمیسیون عدالت اجتماعی که توسط حزب کارگرای ایجاد شد، اهمیت دوباره یافت. این کمیسیون، اصول عدالت اجتماعی را به شرح زیر اعلام کرد.

۱. برابری ثروت برای تمام شهروندان.
۲. حق برابر، برای توانایی در رفع نیازهای اساسی.
۳. نیاز به گسترش فرصتها و شانس‌های زندگی در حد ممکن.

عدالت از مفاهیم و دغدغه‌های اصلی جامعه بشری در طول تاریخ بوده است. ادیان، اندیشمندان و شخصیت‌ها در طول تاریخ در مورد این مفهوم سخن‌ها گفته‌اند و هرکدام با جهان‌بینی خاص خود، عدالت را تعریف و در صدد تحقق آن شده‌اند. بنابراین، عدالت را می‌توان جزء مفاهیمی دانست که دارای مبانی و تعاریف مختلف و گوناگون است و ارائه تعریف واحد و همه‌شمول از آن کاری است بس دشوار.

تعریف عدالت

عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری و عدالت‌اجتماعی، عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند.^۱ از نظر اصطلاحی همان‌طوریکه ذکر شد هر اندیشمند دیدگاه خاصی در مورد عدالت ارائه کرده است؛ این منظور، عدالت را در کتاب لسان‌العرب به معنی تساوی میان دو چیز معنی کرده است.^۲ از نظر افلاطون عدالت آن است که هرکس کار مخصوص خود را انجام دهد و در کار دیگران مداخله نکند. از نظری عدالت در کشور وقتی حکم فرما می‌شود که هرکس در هر طبقه‌ای که هست به کار خود بپردازد و پا از گلیم خویش فراتر نگذارد.^۳ ابن سینا در مورد عدالت به این باور است که عدالت به معنای

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، (تهران، مؤسسه امیرکبیر)، ۱۳۶۲ ه.ش، ج ۲، ص ۲۲۷۹.

۲. ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ج ۱۱، ذیل واژه عدل.

۳. افلاطون، جمهور، مترجم: فواد روحانی، ص ۲۳۶.

۴. ابن سینا، الاشارات والتنبیها، ج ۴، ص ۶۱.

۵. [امام] علی، نهج البلاغه، ترجمه، محمد دشتی، ص ۵۲۷، حکمت ۴۷۰.

”

مفهوم عدالت اجتماعی، بخش مهمی از اندیشه ورزی صاحب نظران علوم انسانی را در طول تاریخ به خود اختصاص داده است؛ اما از دهه ۱۹۷۰ و به ویژه پنجاه سال گذشته در گفتمان های سیاسی و بالخصوص در میان دولت هایی که خود را به عنوان دولت های دموکراتیک اجتماعی معرفی می کنند، ظهور دوباره ای یافته است.

“

عدالت اجتماعی را در جامعه می خواهیم و انحصار طلبی را نمی می کنیم»^۲. در جای دیگر شهید مزاری یادآور می شود که: ما مردم افغانستانیم، هیچ نژادی را نمی خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان [پشتون] است، ایماق است و دیگر اقوام هستند؛ همه آن ها بیایند در این مملکت برادروار زندگی کنند و هرکس به حقوق شان برسند و هرکس درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرد.^۳

شهید مزاری خواسته های اصلی حزب وحدت را سه مورد می دانست، ۱. به رسمیت شناخته شدن مذهب تشیع، ۲. تغییر تشکیلات اداری ناعادلانه گذشته و ۳. نقش مردم تشیع در تصمیم گیری [های سیاسی].^۴

سخنان فوق نشان می دهد که شهید مزاری به دنبال به رسمیت شناخته شدن هویت تشیع و هزاره در افغانستان بود؛ او می خواست هزاره ها و اهل تشیع افغانستان، مثل سایر اقوام در افغانستان در تصمیم گیری های سیاسی نقش داشته باشد و از منابع و امکانات موجود در افغانستان که از طریق واحدهای اداری تخصیص داده می شود، مطابق با جمعیت و نفوس و به شکل مساویانه و عادلانه برخوردار باشد. شاید همین امر موجب محویت او در میان مردم، و با تغییر شرایط و روی کار آمدن دولت جدید در افغانستان، در میان شخصیت های سایر اقوام

۴. نیاز به کاهش و در صورت امکان محدود کردن بی عدالتیها.^۱ بر اساس اصول فوق، تفاوت های اجتماعی و فرهنگی که مثلاً در قبال جنسیت، قومیت و مذهب اعمال می شود، مانعی برای تحقق عدالت اجتماعی است، چیزیکه در زمان شهید مزاری به شدت بیعدالتی را در افغانستان حاکم کرده بود. در این زمان، زمینه سهم گیری در قدرت و مشارکت سیاسی همگانی برای همه اقوام افغانستان آن طور که باید میبود، فراهم نبود؛ بلکه قوم حاکم برمسند قدرت، با فریب و نیرنگ، حقوق سایر اقوام افغانستان را پایمال و در نظر نمی گرفت و آنچه در ویژگی های اصول عدالت اجتماعی ذکر شد، خیلی خیلی کم رنگ بود چنان چه می توان مدعی عدم آن نیز شد.

مزاری، رهبر عدالتخواه

شهید مزاری پس از پیروزی مجاهدین دست به تأسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان به منظور احقاق حق مردم (به ویژه اهل تشیع) زد. او عدالت اجتماعی را از خواست های اصلی خود می دانست. شهید مزاری می گفت: «ما عاشق قیافه هیچ کسی نیستیم، حقوق ملت خود را می خواهیم، هرکس این حقوق را برای ملت ما قائل شود، ما دست او را می فشاریم.... از راه مذاکره سیاسی با گروه ها می نشینیم، حقوق ملت خود را خواهیم و

۱. صالحی امیری، رضا، عدالت اجتماعی، صص ۱۷۳-۱۸۰، ۱۳۸۷. تهران، (پژوهشکده تحقیقات استراتژیک).
 ۲. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، احیای هویت (مجموعه سخنرانیهای رهبر شهید)، سراج، ص ۳۹، ۱۳۷۳.
 ۳. همان، ص ۱۶.
 ۴. همان، ص ۳۸.

”

«مزاری برای ایجاد یک جامعه مبتنی بر عدالت هم طرح می داد و هم تلاش می کرد؛ زیرا حرکت مزاری برای ایجاد یک جامعه عاری از تبعیض و تعصب بود. مزاری شهید، عدالت گم شده مردم افغانستان بود و او میخواست تا ساختار قدرت در این کشور بر اساس اراده مردم به وجود آید.»

“

طرح می داد و هم تلاش می کرد؛ زیرا حرکت مزاری برای ایجاد یک جامعه عاری از تبعیض و تعصب بود. مزاری شهید، عدالت گم شده مردم افغانستان بود و او میخواست تا ساختار قدرت در این کشور بر اساس اراده مردم به وجود آید.^۲

نتیجه گیری

عدالت و عدالت طلبی در ذات و فطرت بشر است و همه به نحوی طالب آن هستند. عدالت به معنای چیزی را در جای خودش گذاردن، که نوعی عدالت توزیعی است از دغدغه های اصلی مستضعفان و آنانی که تجربه بی عدالتی ها را داشته اند، بوده است. در افغانستان با ظهور شهید مزاری به عنوان رهبر یک قوم و ملیت با آن که نظاره گر بیعدالتی های زیادی در تمام حوزه ها بود، با داشتن وسعت نظر تکثرپسند به رغم این که شرایط و اوضاع آن زمان افغانستان آماده فهم این چنین گفتمان ها نبود، شجاعانه به تحلیل اوضاع افغانستان می پرداخت و با تأکید بر حفظ وحدت ملی، به دنبال تحقق عدالت در حق مردمش بود؛ از این جهت است که بعد از سالیان متمادی، شخصیت های ملی افغانستان، با درک عمق افکار و راه حل های پیشنهادی شهید مزاری، در مورد جنبه های مختلف فکری اش صحبت می کنند و از او به نیکویی یاد می گردند. بنابراین، می توان گفت مزاری برای تحقق عدالت در افغانستان مبارزه کرد و در این مسیر قربانی و شهید شد.

شده باشد، چنانچه در سالیانهای وی شاهد سخنرانی های زیادی در مورد وی هستیم. این امر بدون شک محبوبیت شهید مزاری را در میان توده های سایر اقوام نیز افزایش داده و از وی چهره عدالتخواه ساخته است. در این بخش به برخی از سخنان این شخصیت ها که در مورد عدالتخواهی شهید مزاری صحبت کرده اند، اشاره می کنیم.

نظر برخی از شخصیت های سیاسی ملی در مورد عدالتخواهی شهید مزاری

داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی در مورد شهید مزاری میگوید: «مهم ترین درس شهید مزاری برای نسل امروز و فردا، وحدت ملی در سایه عدالت اجتماعی، مشارکت سیاسی عادلانه اقوام، حق تعیین سرنوشت بر اساس انتخابات، حقوق مساوی شهروندی و انکشاف متوازن است که بدون این ها تحقق رفاه و ثبات در کشور ممکن نیست»^۱.

احمد ضیا مسعود به این باور است که: «استاد مزاری برای ایجاد یک جامعه مبتنی بر عدالت و برابری تلاش می کرد و از نابرابریها در این سرزمین رنج میبرد. او در حرکت خویش برای احقاق حقوق مردم افغانستان چنان تلاش کرد که امروز تبدیل به یک الگوشده است.»

محمد یونس قانونی در مورد عدالتخواهی شهید مزاری میگوید: «مزاری برای ایجاد یک جامعه مبتنی بر عدالت هم

۱. صفحه فیسبوک ریاست اجرائیه.

۲. سایت رسمی حزب وحدت اسلامی افغانستان، نشر ۲۱ حوت ۱۳۸۴.

